



ایران ورجاوند



مجله ایران‌شناسی | سال ۴ | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰ | ۵۰۰۰۰ تومان

- ◆ مهرها و اثر مهرهای تپه دهسوار، کرمانشاه
- ◆ آثار حجاری ناتمام نویافته در روانسر کرمانشاه
- ◆ معرفی پل شیر پناه در مسیر شاهراه اریوحن-تیسفون
- ◆ الهه نانا و شاهنشاهی کوشانیان: ردپای میان‌رودانی و ایرانی
- ◆ معماری به‌عنوان منبعی برای تاریخ محلی روزگار مغول: نمونه موردی ورامین
- ◆ تابوت سنگی برف‌آباد؛ شواهدی از یک تدفین دوره اشکانی در حاشیه دشت اسلام‌آباد غرب کرمانشاه
- ◆ تفاوت‌ها و شباهت‌ها در خلق هنر گنداره: مطالعه موردی مدل‌سازی مکتب هده (جلال‌آباد افغانستان)
- ◆ تحلیلی بر عناصر معماری شیعی در آرامگاه‌های دوره قاجار در مقایسه با مقبره‌های اهل تسنن در آذربایجان غربی

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۴ | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰ | ۱۲۰ صفحه |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: قطعه‌تزیینی از قصر ابونصر شیراز، سده ۶ و ۷ میلادی، ساسانی (۴)، موزه متروپولیتن نیویورک

تهران، صندوق پستی ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- مهرها و اثر مهرهای تپه دهنسوار، کرمانشاه | سوزان پولاک، رینهارد برنیک و کریستین کاینر، ترجمه ماندانا صدفی و مجتبی چرمچیان ۴
- تابوت سنگی برف آباد؛ شواهدی از یک تدفین دوره اشکانی در حاشیه دشت اسلام آباد غرب، کرمانشاه | شهرام علی یاری و سجاد علی بیگی ۱۶
- تفاوت‌ها و شباهت‌ها در خلق هنرگنواره: مطالعه موردی مدل‌سازی مکتب هده (جلال آباد افغانستان) | الکساندرا وانلین، ترجمه باقر فاضلی ۲۲
- الیه نانا و شاهنشاهی کوشانیان: ردپای میان‌رودانی و ایرانی | مانی‌سعدی‌نژاد، ترجمه باقر فاضلی ۴۳
- معرفی پل شیر پناه در مسیر شاهراه اریوحن-تیسفون اعلی نوراللهی ۵۱
- آثار حجاری ناتمام نویافته در روانسر کرمانشاه | ناصر امینی‌خواه ۶۷
- معماری به‌عنوان منبعی برای تاریخ محلی روزگار مغول: نمونه موردی ورامین | شیلا بلر، ترجمه محسن سعادت ۷۶
- تحلیلی بر عناصر معماری هویت شیعی در بناهای آرامگاهی دوره قاجار در مقایسه با مقبره‌های هم‌عصر اهل تسنن در آذربایجان غربی | اسماعیل معروفی اقدم، علی صدرایی و فریبرز طهماسبی ۹۱

درگذشتگان

۱۱۳

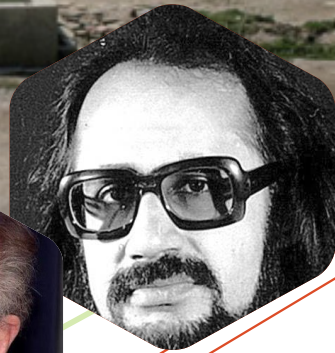
درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان

بخش انگلیسی

In search of Ērānšahr, Records and scientific studies of Antonio Panaino, Italian Iranologist | Afshin Aryanpur 3



مقاله



مجله ایران شناسی ایران ورجاوند

مهرها و اثر مهرهای تپه دهسوار، کرمانشاه*

سوزان پولاک، رینهارد برنیک و کریستین کاینت

ترجمه ماندانا صدفی** و مجتبی چرمچیان***

**دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه رازی
***دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

چکیده

در این نوشتار به مجموعه کوچکی از مهرها و اثر مهرهای محوطه مس سنگی دهسوار در دشت میانکوهی ماهیدشت در غرب مرکزی ایران پرداخته خواهد شد. این مجموعه در سال ۱۹۶۰ در جریان انجام پروژه پیش از تاریخ ایران توسط رابرت بریدوود مورد شناسایی قرار گرفت. برای دیگر مهرهای مشابه با آنها که از ایران و میان‌رودان شمالی به دست آمده، تاریخ هزاره پنجم تا میانه هزاره چهارم پم پیشنهاد می‌شود. اثر این مهرها نشان می‌دهد که هم برای مهر و موم کردن ظروف قابل حمل و هم برای پلمپ درب‌های ورودی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ایران، شیوه‌های مهر و موم، مس سنگی، منطقه کرمانشاه.

پیرامون بررسی روند پیشرفت نخستین تولیدات مواد غذایی در منطقه به اصطلاح تپه ماهورهای دامنه رشته کوه زاگرس را شامل می‌شود (Braidwood, 1961). در این زمینه، هیأت مذکور کاوش‌های مختصری را در محوطه دهسوار به انجام رساند. برخلاف فعالیت‌های شناخته شده‌تر بریدوود در ورواسی، تپه آسیاب

طی سال‌های ۶۰-۱۹۵۹ بخشی از پروژه پیش از تاریخ ایران (IPP)، به بررسی دشت‌های ماهیدشت، اسلام‌آباد غرب و کرمانشاه در غرب مرکزی ایران با هدف مکان‌یابی محوطه‌های پیش از تاریخی این مناطق توسط رابرت بریدوود و تیم تحقیقاتی وی اختصاص یافت. این تلاش، یکی از علاقه‌مندی‌های بریدوود

*این مقاله برگردانی است از:

Pollock, S., Bernbeck, R., and Kainert, Ch., 2020., "Seals and Sealing from Dehsavar", In Pathways through Arslantepe, Essays in Honor of Marcella Frangipane, Balossi Restelli, F., Cardarelli, A., Di Nocera, G. A., Manzanilla, L., Mori, L., Palumbi, G., and Pittman, H., (eds.), Sapienza University Di Roma, Pp: 379-389.

مترجمان از آقای دکتر سجاد علی‌بیگی برای ویرایش متن ترجمه سپاسگزارند.

و تپه سراب، نوشته‌های اندکی در مورد دهسوار به طبع رسیده است. تنها گزارش شندور بوکنی پیرامون بقایای جانوری این محوطه در دست است که از یک یا دو خط تجاوز نمی‌نماید (Bökönyi, 1977).

در نتیجه برای ما (سوزان پولاک-رینهارد برنیک) غیرمنتظره نبود که مدت زیادی پس از انتقال ما به دانشگاه آزاد برلین در سال ۲۰۰۹، جعبه کوچکی حاوی دو مهر و هشت اثر مهر از دهسوار را یافتیم. براساس دست نوشته‌های هانس نیسن (Hans Nissen)، مواد دیگری از همین محوطه، به احتمال عمده‌تاً سفال، در اختیار تامس کایلر یانگ در تورنتو قرار گرفته بود. مهر و اثر مهرها در بهار ۱۹۶۶ برای مائوریتس فن لون (Maurits van Loon) ارسال شد، اما وی بدون آن که کاری روی آنها انجام دهد آنها را به بریدوود بازگرداند. سپس در سال ۱۹۷۱ زمانی که نیسن از شیکاگو برای اخذ کرسی استادی به دانشگاه آزاد برلین آمده بود، بریدوود آنها را در اختیار نیسن قرار داد.

پرس‌وجو از همکاران، منجر به دریافت اطلاعات بیشتری شد. بریدوود گروه کوچکی را زیر نظر کیت هیلن (Keith Hillen) فرستاده بود تا گمانه‌ای را در محل کاوش کنند، یافته‌ها عبارت بود از «ظروف ساده چرخ‌ساز» - سفال‌های فاقد تزئینات و دارای سطح صیقلی

- که او هیچ علاقه‌ای به گزارش آنها نداشت.^۱ سرپرستی تیم بر عهده یکی از دانشجویان سابق بریدوود بود که باستان‌شناسی را بدون نوشتن گزارش ترک کرد^۲ و طبق یادداشت نیسن، به مدت ۱۰ روز در محوطه به کار مشغول بود.

توصیف محوطه

دهسوار توسط بریدوود در بررسی دره کرمانشاه مکان‌یابی شد و با نام Km2 به ثبت رسید. در مستندات بررسی وی^۳ گفته می‌شود که این محوطه در دو کیلومتری «پل آجری قدیمی بر فراز [ق]ره سو» یعنی در شرق کرمانشاه قرار دارد.^۴ این با توصیف بوکنی که محوطه تقریباً در هفت کیلومتری شرق کرمانشاه (Bokonyi, 1977: 4) و نزدیکی روستای کنونی منوچهرآباد قرار دارد، مطابقت می‌نماید. ضمن سیاسی از یاری سجاد علی‌بیگی (باستان‌شناس)، ما توانسته‌ایم عجلتاً مکان محوطه را از طریق تصاویر ماهواره‌ای بیایم (بنگرید به شکل ۱). طبق یادداشت بررسی بریدوود، دهسوار تقریباً ۱۰۰ متر قطر، در حدود ۰/۸ هکتار مساحت و حدود ۸ متر ارتفاع دارد.

بررسی و گمانه‌زنی(های) محوطه، مقدار زیادی سفال همراه با ابزار سنگی و برخی از یافته‌های کوچک، از جمله استخوان و مهرها را به همراه داشت.^۵ سفال این محوطه به‌طور

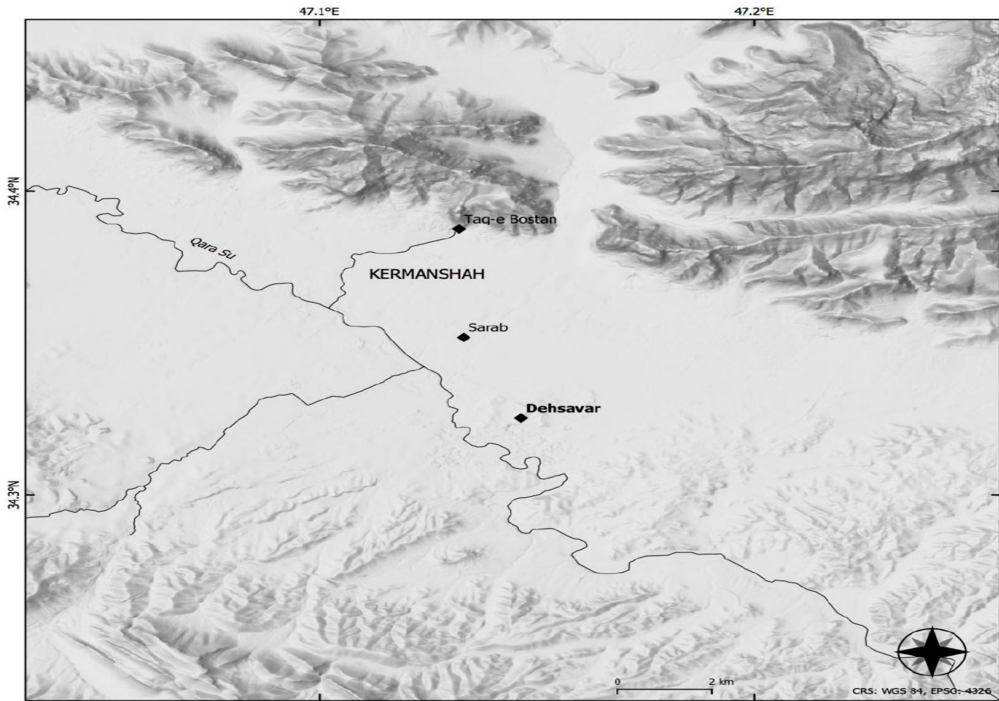
۱. ا.ج. تی رایت، گفت وگویی شخصی، ۲۰۱۰.

۲. ف. هول، گفت وگویی شخصی، ۲۰۱۰.

۳. به لطف بیل پرات از موزه سلطنتی اونتاریو به آن دسترسی یافتیم.

۴. پل نزدیک منوچهرآباد (که پس از زمان کاوش‌ها احداث شد) و هنوز هم «پل کهنه قره سو» (پل قدیمی روی رودخانه قره سو) نامیده می‌شود. سازه موجود آن متعلق به دوره صفویه است، گرچه ممکن است در زمان ساسانیان پایه‌گذاری شده باشد. این منطقه امروزه با یک تصفیه‌خانه فاضلاب و بسیاری از کوره‌های آجرپزی به‌شدت صنعتی شده است. به گفته سجاد علی‌بیگی، این محوطه به دلیل فعالیت‌های اخیر کوره‌های آجرپزی به‌شدت آسیب دیده است.

۵. با تشکر ویژه از مری مک‌دونالد (دانشگاه کلیری) که سخاوتمندانه یادداشت‌های دست‌نویس خود در مورد سفال‌ها را که سال ۱۹۷۶ در موزه سلطنتی اونتاریو بررسی نموده است را در دسترس ما قرار داد. همچنین از بیل پرات که به وجود ابزار سنگی‌ها و دیگر یافته‌های کوچک در مجموعه‌های ROM اشاره نمود، متشکریم.



شکل ۱. نقشه نشان‌دهنده محل قرارگیری تپه دهسوار در جنوب غرب کرمانشاه (نقشه از: نولون رول)

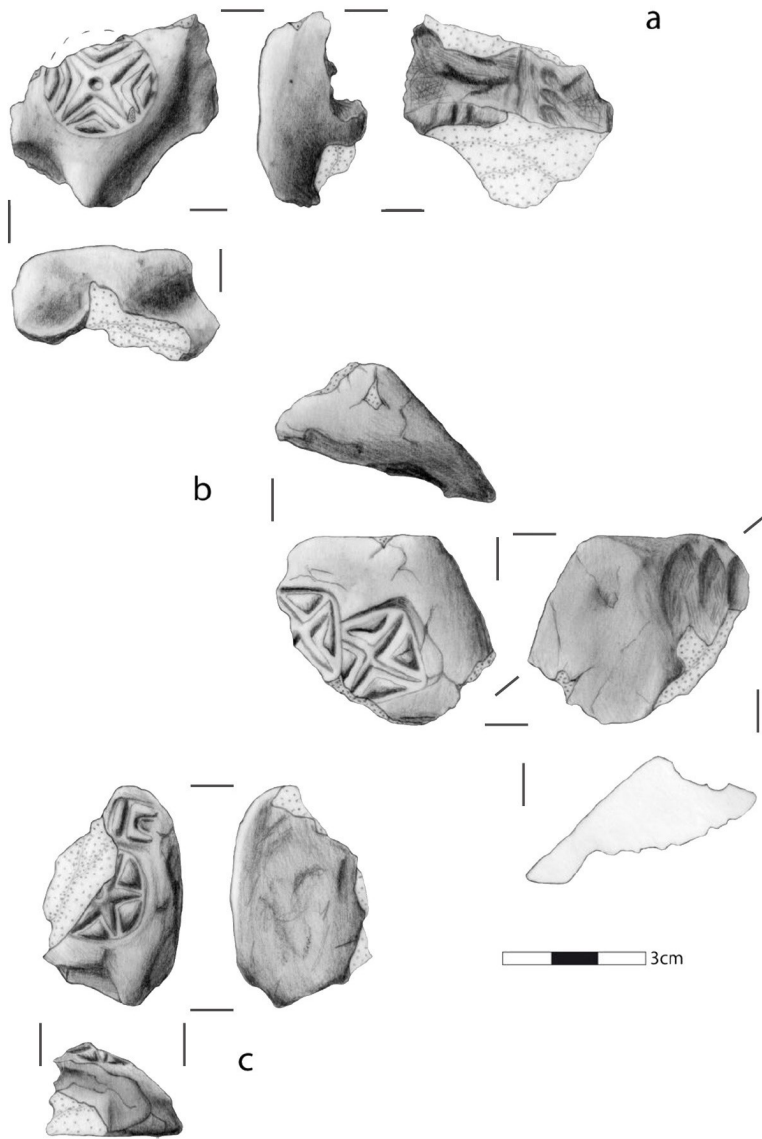
نداریم.

مهرها و اثر مهرها

داده‌های منتخبی که در مؤسسه باستان‌شناسی غرب آسیا در دانشگاه آزاد برلین نگهداری می‌شود، دو مهر استامپی کوچک و هشت اثر مهر است. هیچ اطلاعات مرتبطی در مورد مکان دستیابی به آنها، جز اشاره به محوطه دهسوار به اضافه پشت‌نویسی بر روی اکثر قطعات (به جدول ۱، «شماره اصلی» نگاه کنید) در دست نیست. در این پشت‌نویسی‌ها در بیشتر موارد صرفاً «D2» ذکر شده که به احتمال به دهسوار و بررسی محوطه دوم (Km2) در مستندات بررسی) یا شاید به شماره گمانه‌ها اشاره دارد. احتمال دوم به این دلیل مطرح می‌شود که بر روی یکی از قطعات (DS-5) به جای ۲ عدد ۱ درج شده است.

کلی به‌عنوان ظروف ساده گودین VI همراه با کاسه‌های لبه واریخته توصیف شده است (Levine, Young, 1987: 39; Voigt,) این یکی از معدود محوطه‌های ماهیدشت است که دارای چنین مجموعه سفالی است و از این رو این دوره، مرحله دهسوار نامگذاری شده است. بر مبنای سفال‌ها گمان می‌رود که تقریباً با دوران اوروک میانی و اوروک جدید هم‌افق باشد (Levine, 1974; Levine, Young,) (1987: 40; Henrickson, 1985: 74). علاوه بر این، مک دونالد^۱ به چند قطعه ظرف حاجی فیروز، دست‌کم یک قطعه از نوع گودین IV و برخی از قطعات لعاب‌دار سبز و آبی اشاره می‌کند که در بردارنده کمترین نشانه‌ها از استقرار اولیه و متأخر محوطه است. هیچ انتشارات یا ارزیابی دیگری از سفال‌ها در دست

۱ یادداشت‌های منتشر نشده.



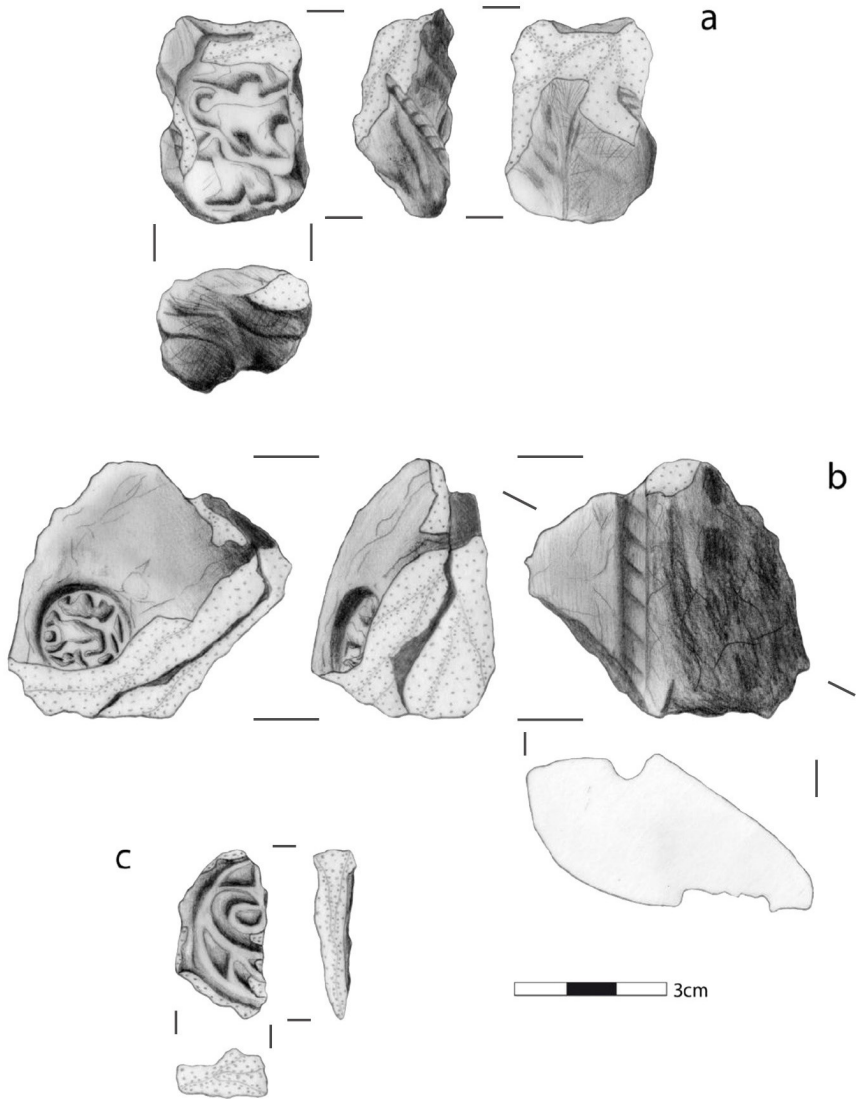
شکل ۲. اثر مهرهای تپه دهسوار: a) DS-4, b) DS-1, c) DS-2 (طراحی کریستین کاینت)

اثر مهرها

هشت اثر مهر با شرایط متفاوت در این مجموعه موجود است. در زیر، هر یک به صورت جداگانه توصیف شده است. در اینجا برخی از ویژگی‌های کلی را ذکر می‌نماییم^۱.

تمام اثر مهرها به رنگ قهوه‌ای متمایل به قرمز تا خاکستری تیره یا به رنگ سیاه درآمده‌اند که نشان دهنده همجواری آنها با حرارت است. همچنین به طور کلی این موضوع دلیل خوب حفظ شدن آنها را توضیح می‌دهد. سه مورد

۱ مایلیم از کیارا شوخ (Chiara Schoch) برای کمک در بررسی قسمت‌های پشت اثر مهرها و به ویژه برای به اشتراک گذاشتن تخصص خود در شناسایی اثرات الیاف قدردانی کنیم.

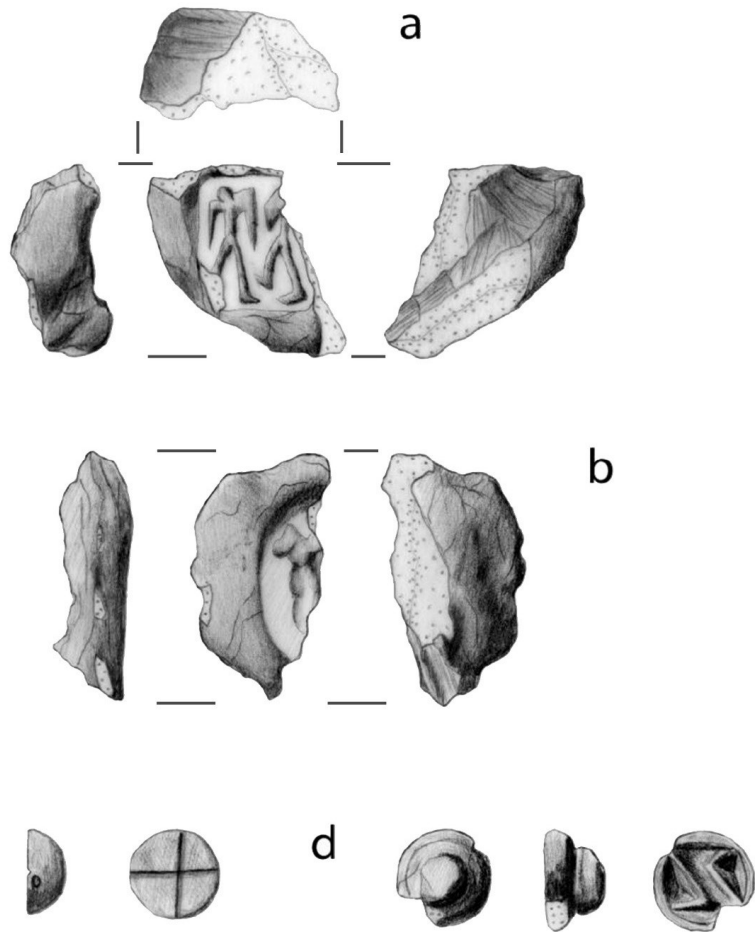


شکل ۳. اثر مهرهای تپه دهسوار: a) DS-3، b) DS-8، c) DS-7 (طراحی کریستین کاپنت)

مدور و برخی مستطیل شکل ایجاد شده‌اند و همه دارای خطوطی عمیق هستند. در پنج مورد، ردهای موجود بر روی قسمت‌های پشت قطعات ما را قادر می‌سازد تا به‌طور احتمالی، نوع موارد استفاده از مهر و موم را بازسازی نماییم.

DS-1 تقریباً مستطیل شکل دارای یک سطح نسبتاً تخت است (شکل ۲، b). این

از اثر مهرها دارای نقوش هندسی است که سه حیوان را به نمایش می‌گذارد، یکی از آنها دارای شمایل انسان‌گونه است، و آخرین مورد آنچنان تکه‌تکه شده که قابل تشخیص نیست. دو مورد از اثر مهرها، هر کدام دو اثر بر خود دارند: یکی دارای آثاری از دو مهر متفاوت است (شکل ۲، c)، دیگری شبیه به همان مهر است (شکل ۲، b). تمام اثرها توسط مهرهای استامپی، بعضی



شکل ۴. اثر مهرها و مهرهای تپه دهسوار: a) DS-6, b) DS-5, c) DS-9 d) DS-10 (طراحی کریستین کایننت)

سیلک III₅، تپه حصار I_B و تا اندازه‌ای قانع کننده، در تپه گیان VC وجود دارد (برای این و همه مقایسه‌های بعدی به جدول ۱ مراجعه کنید). قسمت پشت اثر مهر حاوی آثاری از دو یا سه رشته خطوط موازی است که قطر هر کدام ۳ تا ۴ میلی‌متر است و با قطر تقریبی ۰/۹ سانتی‌متر به دور محدوده کادر پیچیده است. اثر مهر خود شکلی تقریباً مثلثی دارد، با یک ضلع صاف که دارای بافتی تقریباً گلوله مانند

نمونه شامل اثر دو کادر مربع همگون است، یکی از این کادرها کاملاً با فشار مهر شده و دیگری نسبت به آن ۹۰ درجه چرخیده است. مساحت تقریبی یکی از مهرها در یک طرف تقریباً ۱/۷ سانتی‌متر است. این دو اثر تا حدی با هم تداخل دارند. نقش از یک X همراه با یک خط برآمده تشکیل شده است که از یک سمت X با زاویه حاد امتداد می‌یابد. نمونه‌های هم‌افق برای اینگونه نقوش در

است. این مهر باید بر روی ماده‌ای فاقد هرگونه ساختار واضح، شاید دیواری گچ‌کاری شده فشار داده شده باشد. اثرات انگشتان زیادی در سطح فوقانی اثر مهر وجود دارد. بر اساس اثر فشار بر قسمت پشتی و همچنین شکل کلی قطعه، می‌توان آن را به‌عنوان مهر و موم درب ورودی توصیف نمود.

DS-2 حاوی دو اثر مهر متفاوت است (شکل 2، c). نمونه بزرگ‌تر یک مهر مدور به قطر تقریبی دو سانتی‌متر بوده، که چهار پر از شمایل اصلی‌اش به‌عنوان یک ستاره به‌احتمال شش پر حفظ شده است. بین پره‌های ستاره عناصر پرکننده مثلثی شکل قرار دارد. اثر دوم، کوچکتر و در مجاورت آن است اما وجه مشترکی با آن ندارد. این طرح توسط یک مهر مربع حدوداً یک سانتی‌متری با طرحی متشکل از یک سری اشکال هندسی کوچک ساخته شده است. ما به هیچ مشابهت متناسبی بین هیچ یک از این اثر مهرها دست نیافتیم. قسمت پشتی اثر مهر صاف است، هرچند که برآمدگی نسبتاً کوچکی بر بخشی از بافت آن به چشم می‌خورد.

اثر مهر DS-3 طرح اثر یک مهر مستطیلی بزرگ با انتهای کمی مدور، در حدود $2/3 > 3/5 \times$ سانتی‌متر را نشان می‌دهد. بخشی از دو نقش مایه جانوری روی آن برجای مانده که، یکی در بالای دیگری، همراه با شکلی نامفهوم و ظاهراً هندسی در بخش بالایی قرار دارد (شکل 3، a). طرح حیوان پایینی در حالت نشسته و رو به سمت چپ است. سر، شکلی نسبتاً مثلثی داشته، بدن جانور تا حدودی گرد شده و هیچ‌گونه نشانی از دم به چشم نمی‌خورد. طرح حیوان نمایش داده شده در مرکز تصویر، برخلاف تصویر پیشین، در حالتی ایستاده، به‌احتمال آماده برای جهش به تصویر کشیده

شده، و رو به سمت راست دارد. باز هم سر به شکل یک مثلث ناموزون تصویر شده، اما این حیوان دمی بلند و خمیده به سمت بالا دارد. در بالای نقش این دو جانور، بخشی از یک نقش دیگر به چشم می‌خورد که به‌احتمال جانوری را در حالی که رو به سمت چپ دارد به نمایش می‌گذارد، اما به‌روشنی قابل تشخیص نیست. هیچ نمونه مشابهی را برای این اثر مهر نیافته‌ایم، اما به‌طورکلی به نقش جانوری مشابه با دمی بلند و خمیده در لایه 3 جعفرآباد و در چاله زباله دوره اوروک در شرف‌آباد، اشاراتی شده است. با این حال، در هیچ یک از موارد، ترکیب کلی طرح مهر مشابهی ندارد. اثر مهر دهنسوار فاقد عناصر پرکننده کوچک موجود در مهر جعفرآباد و پیکره انسانی نقش شده در نمونه فرخ‌آباد است. بخش پشتی نمونه DS-3 حاوی تصویری از رد یک رشته تائیده شده طنابی شبیه به حرف Z و اثر احتمالی از پوست حیوان (چرم) است. ما آن را به‌عنوان مهر و موم یا اثر مهر روی بسته‌بندی نوعی از کالا در نظر می‌گیریم.

DS-4 دارای نقشی از یک مهر مدور به قطر تقریبی $2/4$ سانتی‌متر است با نقش مایه‌ای صلیبی که یک فرورفتگی گرد کوچک در مرکز آن قرار داشته و مثلث‌های تودرتوی V شکل فضای حفاصل بین بازوهای صلیب را پر کرده است (شکل 2، a). در ادبیات باستان‌شناسی این نقش به «صلیب لرستان» موسوم است. اگرچه تعداد قابل توجهی مهر و اثر مهر دارای این نقش از لرستان مورد شناسایی قرار گرفته، اما پراکندگی جغرافیایی آنها در واقع بسیار گسترده است (Caldwell, 1976: 233-234). مهرهایی با طرح‌های صلیبی شکل مشابه با این نمونه، از لایه‌های XII، XIA/B و XI/XA تپه گوره، سیلک III، تپه گیان، سه

گابی VII، فاز فرخ در تپه فرخ‌آباد و دئیرمن تپه (Değirmentepe) گزارش شده است. پشت اثر مهر دهبسوار دارای اثر تابیده شده طنابی Z شکل به قطر تقریبی ۳ میلی‌متر است. ریسمان دو بار به دور یک زانده میخ‌مانند با قطر حداقل ۰/۷ سانتی‌متر به سمت لبه اثر مهر کشیده شده است. این بخش با سر انگشتان به هم فشرده می‌شد و اثر انگشت‌های متعددی در سطح فوقانی آن به چشم می‌خورد. در نزدیکی لبه اثر مهر، ردی از تار موهای کوچک به چشم می‌خورد که شاید نشان دهنده فشار دادن آن به پوست یک حیوان باشد. این قطعه شاید مهر و موم بسته‌بندی‌ای بوده باشد که به وسیله میخ مسدود شده است. همچنین می‌تواند مهر و موم درب ورودی یک مکان باشد، هرچند این احتمال ضعیف‌تر است.

DS-5 به خوبی حفظ نشده، اما در بر دارنده بقایای یک اثر مهر مدور است، که قطری بیش از ۲/۵ سانتی‌متر داشته و حاوی یک نقش نامفهوم است (شکل ۴، b). قسمت پشتی صیقلی شده اما در عین حال دارای بافتی ناهموار است. سطح فوقانی قطعه حاوی رد اثر انگشت است.

DS-6 تنها اثر مهر با تصویر موجودی انسان‌گونه است (شکل ۴، a). این مهر مستطیل‌شکل و با ابعاد تقریبی $2/1 \times 1/8$ سانتی‌متر است. دو پیکره انسانی در کنار یکدیگر نمایش داده شده که هر دو در حالت ایستاده و یا در حال حرکت‌اند. نقش بهتر حفظ شده، فردی چهارشانه را نشان می‌دهد که دست‌هایش به سمت پایین آویزان است. هیچ شواهدی از لباس یا سایر زیورآلات به چشم نمی‌خورد و صحنه فاقد عناصر پرکننده است. نمونه‌های مشابه با این نقش را می‌توان در تپه گوره XIII و XIA/B یافت. در پشت این اثر

مهر، آثاری از حداقل سه ردیف موازی از رد طناب و یک میخ با قطر ۰/۹ سانتی‌متر بهتر حفظ شده است. به نظر می‌رسد که یک یا چند ریسمان به جای تابیده شدن، به هم بافته شده باشد. در قسمت‌های دیگر بخش پشتی این اثر مهر، آثاری از یک بافت گیاهی به چشم می‌خورد. تعدادی اثر انگشت نیز در سطح بالایی اثر مهر قابل مشاهده است. این قطعه ممکن است بقایای مهر و موم یک در بوده باشد، هرچند استفاده از آن برای پلمپ یک بسته قابل چشم‌پوشی نیست.

DS-7 که در شرایط مناسبی از آن محافظت به‌عمل نیامده، بقایای یک اثر مهر بوده که تمام قسمت پشتی آن جدا شده است. یک اثر مهر مدور، با قطر دست‌کم ۲/۹ سانتی‌متر به شکل عمیق بر روی گل مهر و موم فشار داده شده است (تصویر ۳، c). اغلب آنچه که از نگاره باقی مانده شامل عناصر پرکننده هندسی است، اما با این حال انتهای دم خمیده بلندی متعلق به یک جانور هم قابل تشخیص است. نمونه مشابه یا هم‌افق با این اثر را در لایه ۳ جعفرآباد نیز می‌توان یافت.

اثر مهر DS-8 تصویر موجودی حیوانی‌شکل را به نمایش می‌گذارد (شکل ۳، b). اثر یک قطعه مهر مدور به قطر ۱/۸ سانتی‌متر بوده، که با فشار زیاد بر روی یک قطعه تا شده خمیر گل رس نقش بسته است. در مرکز تصویر یک حیوان را در حالت درازکش نشان می‌دهد که پاهای جلویی خود را بر روی زمین دراز کرده است. بدن حالت منحنی دارد، سر به وضوح قابل تشخیص و مثلثی‌شکل است. انواع عناصر هندسی در زمینه بالا، پایین و طرفین جانور پراکنده هستند. امکان دارد که عناصر نقشی تصویر شده در پایین و به‌ویژه بخش فوقانی موجود حیوانی‌شکل نیز

جدول ۱. نمونه‌های ایتالیک شده برای مقایسه احتمالی هستند.
 *اندازه‌ها، حداکثر ابعاد (حفظ شده) بر حسب سانتی متر از اثر مهر و یا خود مهر هستند.

مقایسه‌ها	تفسیر کاربردی	آثار بخش پشتی	نگاره/طرح	ابعاد	نوع شیء	شماره اصلی	شماره/شماره شمایل
Tepe Sialk III_g , Ghirshman 1938: Pl. LXXXVI, 246; Tepe Hesar I_B - Amiet 1980: Pl.3,68 <i>Tepe Giyan V_C</i> Caldwell 1976:#83	اثر مهر/مهر و موم در	یک سطح صاف اما برآمده؛ دو الی سه اثر ریسمان موازی $0.3-0.4\text{cm}\theta$ میخ به ابعاد $0.9\text{cm}\theta$	دو اثر مهر یکسان دارای همپوشانی در یک بخش: مهر مربعی همراه با نقش صلیبی/مقاطع و عناصر توپر مثلثی	$\approx 1.7 \times 1.7$	اثر مهر	D-2	DS_1 شکل. ۲ b
-	-	سطح صاف با برآمدگی	(۱) اثر مهری مدور همراه با نگاره ستاره و عناصر توپر مثلثی، (۲) اثر مهری کوچک‌تر، مربع شکل همراه با اجزاء هندسی خطی	$\theta \approx 2.0$ (1) $\approx 1.0 \times 1.0$ (2)	اثر مهر	D-2	DS 2 شکل. ۲ c
گودال اوروکی شرف آباد <i>Wright et. Al 1980: Fig. 6:4; Jaffarabad L.3, Dollfus 1971: Fig. 23,1</i>	اثر مهر/مهر و موم بسته	تک ردیفی از ریسمان (تابیده شده Z شکل)، موها- به احتمال اثر پوست حیوان	اثر مهر مهری مستطیل یا گوشه های گرد شده همراه با دو یا به احتمال سه پیکره حیوانی	$3.5 \times > 2.3$	اثر مهر	?	DS_3 شکل. ۳ a
Tepe Gawra XI/XA Rothman 2002: Pl. 43,1632 Tepe Gawra XIA/B - Rothman 2002: Pl.37,1076 Tepe Gawra XII - Tobler 1950: Pl.CLXII 67 Tepe Giyan - Contenau & Ghirshman 1935: Pl. 38: 23,41,46 Tepe Sialk III_g - Ghirshman 1938: Pl. LXXXVI, S.85, S.417 She Gabi VII Henrickson 1988: Fig.3, SG73-180, SG73-54 De ġir mē te pe - Wickede 1990: #542 Farukhabad Farukh phase Wright 1981: Fig. 29d	اثر مهر/مهر و موم بسته بندی و در	ریسمان تابیده شده Z شکل θ ca. 0.3cm دو بار پیچیده شده دور میخ(?) θ ca. 0.7cm نیشگون.	اثر مهری مدور/گرد همراه با صلیب چهار پر (صلیب لرستان)؛ اشکال V مانند تودر تو و مثلث‌هایی در بین بازوهای صلیب	θ 2.4	اثر مهر	D-2	DS_4 شکل. ۲ a
-	-	اثرات انگشت	اثر مهر مدور/گرد؛ بقایای اندکی از نگاره	$\theta > 2.5$	اثر مهر	D [^] -1	DS 5 شکل. ۴ b

Tepe Gawra XIII- To- bler 1950: Pl. CLXIII, 92 Tepe Gawra XIA/B Rothman 2002: Pl. 32, 923	اثر مهر / مهر و موم در یا بسته بندی	3 ≤ ردیف از ریسمان، حداقل یکی از آن ها بافته شده به نظر می رسد؛ میخ θ ≥ 0.9cm سایر اثرات فیبری	اثر مهر مستطیل همراه با ۲ طرح انسان گونه، پیکره های ایستاده، ظاهراً در حال حرکت	2.1 x 1.8	اثر مهر	D-2	DS 6 شکل. ۴ a
Jaffarabad L.3 – Doll- fus 1971: Fig. 23,1	-	بخش پشتی جدا شده	اثر مهر مدور/گرد همراه با عناصر پرکننده هندسی، بقایایی از دم تابیده شده/خم شده یک حیوان	θ ≥ 2.9	اثر مهر	D-2	DS 7 شکل. ۳ c
Tepe Giyan V_D Cald- well 1976: # 104 Jaffarabad L.3 Doll- fus 1971: Fig. 23,1 She Gabi VII Henrick- son 1988: Fig. 1, SG73- 44	اثر مهر بسته بندی	ریسمان یا طناب تایید شده Z شکل، θ ca. 0.5cm تعدادی اثرات انگشت	اثر مدور همراه با حیوان (یا حیوانات) و عناصر توپر هندسی گوناگون	θ 1.8	اثر مهر	D 2	DS_8 شکل. ۳ b
Tepe Gawra XII – Rothman 2002: Pl.29, 486	-	بدون اثر؟	صلیب ساده	θ 1.3 - 1.4	مهر	D ?2	DS 9 شکل. ۴ c
Tepe Sialk III₇, Ghirsh- man 1938, Pl. LXXX- VI, 78	-	بدون اثر؟	طرح هندسی 7 پشت به هم	θ 1.5	مهر	II- ?2	DS 10 شکل. ۴ d

شده است. وجه مسطح دیگر با بافت مشابه در زاویه تقریباً ۴۵ درجه نسبت به این صفحه قرار دارد. اثر انگشت های متعددی در سطح فوقانی وجود دارد. ما این قطعه را به طور فرضی به عنوان اثر مهر بسته تعبیر می کنیم، با این حال، بافت توده ای روی و جوه مسطح که یادآور نمونه DS-1 است، شاید نشان دهنده این باشد که این اثر مهر نیز بر روی یک دیوار گچ کاری شده فشرده شده است.

مهرها

دو مهر کوچک مدور ساخته شده از سنگ سبز تیره متمایل به سیاه در این مجموعه موجود است. قطر نمونه DS-9- ۱/۳ - ۱/۴ سانتی متر است و سطحی تخت همراه با پشت مدور و

تصاویر شماتیکی از حیواناتی دیگر باشد. نمونه های قابل مقایسه با ترکیب کلی این اثر از گیان VD، با نقش مایه های جانوری در مرکز و اشکال هندسی (یا نمای شماتیک وارونه ای از جانور؟) در بخش فوقانی، و لایه ۳ جعفرآباد، با عناصر پرکننده هندسی کوچک به دست آمده است. اثر مهری با ترکیب مشابه اما با اجرای کاملاً متفاوت از سه گابی VII نیز به دست آمده است. پشت اثر مهر دهسوار دارای اثر یک ریسمان منفرد یا طناب تاییده شده Z مانند به قطر ۵ میلی متر است. طناب مذکور باید محکم کشیده شده باشد تا چنین اثر مستقیمی روی گل مهر ایجاد شود. یک بخش از سطح اثر مهر صاف است اما بافت زمختی دارد که نشان می دهد روی یک سطح تا حدی توده ای فشرده

صاف دارد (شکل ۴، c). در کناره بخشی از حاشیه شیء سوراخی قابل مشاهده است، اما بیش از ۱ - ۲ میلی متر به داخل قطعه نفوذ نمی کند و نشان می دهد که ممکن است ناتمام مانده باشد. سطح صاف مهر با یک صلیب ساده و کمی نامتقارن حکاکی شده است. نمونه های تقریباً مشابه با این نقش را می توان در تپه گوره XII یافت. مهرهایی با شکل نیمه محدب دارای سوراخ طولی (طراحی شده) در غرب ایران و در شمال میان رودان به وفور مشاهده شده است (برای نمونه، بنگرید به Caldwell 1976; Henrickson 1988).

مهر دوم نمونه DS-10 بوده که مدور و دارای ۱/۵ سانتی متر قطر است. سطح مهر با یک طرح هندسی ساده عمیق متشکل از دو نقش مایه معکوس مضاعف 7s شکل پشت به هم حکاکی شده است (شکل ۴، d). قسمت پشتی مهر و موم دارای یک برآمدگی دکمه مانند در مرکز است که می توانسته به عنوان دستگیره عمل کند. شکل نسبتاً زمخت آن ممکن است نشانه ای از ناتمام ماندن آن باشد. نمونه نسبتاً مشابهی برای این مهر را می توان در سیلک III₇ یافت.

مقایسه، تاریخ گذاری و موارد استفاده از اثر مهرها

آگاهی های لایه شناختی از مهرها و اثر مهرهای دهسوار در دسترس نیست، در نتیجه باید از داده های قابل انطباق برای دستیابی به تاریخ گذاری استفاده شود. نکته قابل توجه این که برای طرح هیچ یک از مهرها و اثر مهرهای دهسوار مشابه دقیقی نیافتیم، هر چند نقش مایه ای که از آن به عنوان «صلیب لرستان» در ادبیات باستان شناختی یاد می شود، به خوبی با این نمونه ها مطابقت دارد. نه در مورد

نقش مایه های انسان گونه روی DS-6 و نه نقوش حیوانی در DS-3، DS-7، DS-8 و در جاهای دیگر شباهت های نزدیکی یافت نمی شود. این ممکن است تا حدی تابع میزان محدود داده های در دسترس از زاگرس غربی در دوره مس سنگی میانی و جدید باشد، اما همچنین نشانگر منحصر به فرد بودن نقش مایه های این مهرها نیز هست.

بر اساس مقایسه (جدول ۱)، این اثر مهرها را می توان به مرحله ای از دوره عبید متأخر (سیلک III آغازین، سوزیانای جدید، گوره XIII-XII) تا LC 1-2 (اواسط تا آغاز سیلک III جدید، سه گابی VII، گوره XI/XA) یا به عبارتی اواخر هزاره پنجم تا اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد نسبت داد. علاوه بر این، نکاتی وجود دارد که نشان دهنده تاریخی کمی جدیدتر است (اوروک میانی/سیلک III جدید) (برای توالی سیلک III، بنگرید به Nokan-deh 2010).

نمونه های مشابه با مهرهای دهسوار در درجه اول از نواحی میانی رود دجله (گوره)، از محوطه های واقع در زاگرس مرکزی (سه گابی، گیان) و از غرب فلات ایران (سیلک) به دست آمده است. تا اندازه ای ضعیف تر، می توان مقایسه ها را با سرزمین های پست ایران (جعفرآباد، فرخ آباد و شاید شرف آباد) و حتی دورتر از آن (حصار، دئیرمن تپه) انجام داد. در حدود ۳۰ سال پیش، هنریکسون به «ارتباط موضوعی خاص میان نقش مایه مهرهای لایه XIA در تپه گوره ... و در ارتفاعات شرقی زاگرس مرکزی (سه گابی، گیان) هم زمان با اوروک قدیم» اشاره کرده بود (Henrickson, 1988: 8). نقش مایه مهرهای دهسوار می تواند صحت این ادعا را قوت ببخشد. با این حال باید، یک بار دیگر بر محدودیت های موجود در مسیر

مقایسه داده‌های محدوده‌ای پهناورتر در این بازه زمانی تأکید نماییم.

بررسی قسمت‌های پشت اثر مهرها به ما اجازه نتیجه‌گیری در خصوص شیوه‌های رایج برای ایجاد مهر و موم در دهسوار را می‌دهد. ردهای قابل شناسایی شامل آثار طناب (پنج نمونه) و میخ‌ها (سه نمونه) است. یک مورد (DS-1)، نشان از این دارد که به واسطه وجود قطر باریک میخ، این قطعه بخشی از مهر و موم در بوده است (کمتر از ۱ سانتی‌متر)؛ به طرز جالبی، این یکی از دو اثر مهری است که دوبار با نقوش منفرد هندسی مهر شده است. سایر قطعات همراه با نقوش هندسی، شامل یک قسمت زیرین مسطح اما پر از ناهمواری و بدون هیچ اثری از ردّ طناب یا میخ، دو بار مهر شده‌اند. دو قطعه به احتمال برای بسته‌بندی چیزهایی شبیه به عدل‌ها یا جعبه‌ها (DS-8, 3, DS) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این قطعات حاوی آثاری از یک تک ردیف طناب یا ریسمان بوده، و یکی از نمونه‌ها به احتمال با اثر چرم همراه است. هر دو اثر مهر موجود بر سطح بسته‌بندی‌ها به وسیله مهرهایی دارای نقوش حیوانی مهر شده‌اند. موارد استفاده دو اثر مهر دیگر (DS-4 و DS-6) از اینها نیز مبهم‌تر است و ما به طور موقت استفاده از آنها را برای پلمپ درب‌ها یا بسته‌ها پیشنهاد می‌نماییم. این نمونه‌ها نشان دهنده دو ردیف یا بیشتر از رشته‌های به هم تابیده به همراه میخ و در یک نمونه سایر الیاف گیاهی است (رشته‌های از هم گشوده شده یا شاید بخشی از موهای پوست یک حیوان باشد).

برآیند

با وجود تعداد اندک و فقدان هرگونه اطلاعات از بافتار لایه‌شناختی، مجموعه اثر مهرها و

مهرهای دهسوار به آگاهی‌های ما در مورد شیوه‌های مهرسازی اولیه و روش‌های مهر و موم کردن در اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد در غرب زاگرس مرکزی افزوده است. باید اشاره کرد که سفال‌های دهسوار -که هرگز به گونه‌ای روش‌مند مورد مطالعه قرار نگرفته است- بر اساس حضور نمونه‌های گودین VI به علاوه کاسه‌های لبه واریخته به عنوان داده‌های دوره مس سنگی جدید/اوروک ارزیابی شده‌اند. این امر تا حدی به تاریخی کهن‌تر از آنچه شواهد مهرشناختی نشان می‌دهد اشاره دارد. فقط مطالعه مجموعه‌های سفالی موجود یا کاوش بازنگری در دهسوار، در صورتی که محوطه هنوز قابل بررسی باشد، می‌تواند مشکل تاریخگذاری را حل نماید. با آگاهی از اینکه دهسوار تپه‌ای با ارتفاع ۸ متر است، احتمال وجود مدت زمان قابل توجهی از استقرار را در آن نمایان می‌سازد.

همان‌طور که در بالا ذکر شد، مقایسه داده‌ها نشانگر ارتباط با سنت‌های حکاک‌های ارتفاعات ایران و همچنین مناطق میانی حوضه رودخانه دجله و مناطق پست جنوب‌غربی ایران است. بررسی قسمت‌های پشت اثر مهرها به شیوه‌هایی از مهر و موم ظروف قابل حمل (عدل یا جعبه) و همچنین سازه‌های غیر منقول (درها) اشاره دارد. نکته قابل توجه این است که نقوش روی دو مهر هیچ شباهتی به نقوش اثر مهرها ندارد. در پایان، مفتخریم که این مقاله را به مارچلا فرانچیین (Marcella Frangipane) تقدیم کنیم. تحقیقات راهگشای او در مورد رویکردهای اجتماعی-اقتصادی و اداری دوران مس سنگی بر مبنای مطالعاتش در ارسلان‌تپه و روحیه همکاری، مهمان‌نوازی و دوستی‌اش، منبع الهام‌بخش بی‌پایانی برای ما بوده است.

جان لارسون به خاطر پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و جست‌وجو در ثبت و ضبط‌های قدیمی دهسوار قدردانی نماییم. با تشکر از نولون رول برای تهیه نقشه در شکل یک.

از هانس نیسن برای سخاوتمندی‌اش در خصوص کار با ما بر این داده‌ها و از هنری رایت، لوتیس لوین، فرانک هول، دن رحیمی، بیل پرات، مری مک‌دونالد، هلن مک‌دونالد، و

کتاب‌نامه

- Amiet, P. 1980. La glyptique mesopotamienne archaïque, Editions du Centre National de la Recherche Scientifique, Paris.
- Bökönyi, S. 1977. The Animal Remains from Four Sites in the Kermanshah Valley, Iran: Asiab, Sarab, Dehsavar and Siahbid, BAR Supplementary Series 34, BAR, Oxford.
- Braidwood, R. J. 1961. The Iranian Prehistoric Project, 1959-60, *Iranica Antiqua* 1: 3-7.
- Caldwell, D. H. 1976. The early glyptic of Gawra, Giyan and Susa and the development of long distance trade, *Orientalia* 45: 227-250.
- Contenau, G., Ghirshman, R. 1935. Fouilles du Tepe-Giyan, pres de Nehavand 1931 et 1932, Paul Geuthner, Paris.
- Dollfus, G. 1971. Les fouilles a Djafarabad de 1969 a 1971, *Cahiers de la Delegation Archeologique Francaise en Iran* 1: 17-162.
- Ghirshman, R. 1938. Fouilles de Sialk pres de Kashan 1933, 1934, 1937, vol. 1, Librairie Orientaliste Paul Geuthner, Paris.
- Henrickson, E. 1985. An updated chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the central Zagros highlands, *Western Iran, Iran* 23: 63-108.
- Henrickson, E. 1988. Chalcolithic seals and sealings from She Gabi, central western Iran, *Iranica Antiqua* 23: 1-19.
- Levine, L. 1974. Archaeological investigations in the Mahidasht, western Iran, 1975, *Paleorient* 2(2): 487-490.
- Levine, L., Young, T. C. 1987. A summary of the ceramic assemblages of the central western Zagros from the Middle Neolithic to the late third millennium B.C., in *Prehistoire de la Mesopotamie*, J.-L. Huot ed., Editions CNRS, Paris: 15-53.
- Nokandeh, J. 2010. Neue Untersuchungen zur Sialk-III-Periode im zentraliranischen Hochland auf der Grundlage der Ergebnisse des "Sialk Reconsideration Project", dissertation.de, Berlin.
- Rothman, M. 2002. Tepe Gawra: The Evolution of a Small, Prehistoric Center in Northern Iraq, University Museum Monograph 112, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology, Philadelphia.
- Voigt, M., Dyson, Jr, R. 1992. The chronology of Iran, ca. 8000-2000 B.C., in *Chronologies in Old World Archaeology*, 3rd edition, R. Ehrich ed., University of Chicago Press, Chicago: 122-178.
- Wright, H. T. 1981. An Early Town on the Deh Luran Plain: Excavations at Tepe Farukhabad, University of Michigan Museum of Anthropology Memoir 13, Ann Arbor.
- Wright, H. T., Miller, N., Redding, R. 1980. Time and process in an Uruk rural center, in *L'archeologie de l'Iraq du debut de l'epoque neolithique a 333 avant notre ere*, M.-T. Barrelet ed., Editions du Centre National de la Recherche Scientifique, Paris: 265-282.

“Contents”

Article

- Seals and Sealing from Dehsavar** | S Pollock, R Bernbeck, and Ch Kainert, Persian translated by Mandana Sadafi & Mojtaba Charmchian 4
- Barfabad Stone Coffin; Evidence from a Parthian Burial on the Edge of the Islamabad Plain West of Kermanshah** | Shahram Aliyari & Sajjad Alibaigi 16
- Differences and similarities in Gandhāran art production: the case of the modelling school of Haḍḍa (Afghanistan)** | Alexandra Vanleene, Persian translated by Bagher Fazeli 22
- The Goddess Nana and the Kušan Empire: Mesopotamian and Iranian Traces** | Many Saadi-Nejad, Persian translated by Bagher Fazeli 43
- Introduction of Shirpanah Bridge on the Ariuhan-Ctesiphon Way** | Ali Nourallhi 51
- Unfinished Carvings in Ravansar, Kermanshah** | Naser Amini Khah 67
- Architecture as a Source for Local History in the Mongol Period: The Example of Warāmīn** | Sheila Blair, Persian translated by Mohsen Saadati 76
- An Analysis of Architectural Elements of Shiite in Qajar Tomb Buildings and Compared to Sunni Tombs in West Azarbaijan** | Esmail Marofi Aghdam, Ali Sadraei, Fariborz Tahmasebi 91

Obituary

- Mir Abedin Kaboli, Ahmad Kabiri, Pierre Amiet, Asghar Karimi & Bert G. Fragner** | Arshak Iravanian 113

- In search of Ērānšāhr, Records and scientific studies of Antonio Panaino, Italian Iranologist** | Afshin Aryanpur 3



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 4, No.7, Autumn & Winter 2022 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| Dr Shahin Aryamanesh |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

Window Screen, ca. 6th-7th century
Sasanian (?), Iran, Qasr-i Abu Nasr
The Metropolitan Museum of Art, USA

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

With Contributions by
| Tisaphemes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies / Vol. 4 / No. 7 / Autumn & Winter 2021



ایران
ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Seals and Sealing from Dehsavar
- ◆ Unfinished Carvings in Ravansar, Kermanshah
- ◆ Introduction of Shirpanah Bridge on the Ariuhan-Ctesiphon Way
- ◆ The Goddess Nana and the Kušan Empire: Mesopotamian and Iranian Traces
- ◆ Architecture as a Source for Local History in the Mongol Period: The Example of Warāmīn
- ◆ Barfabad Stone Coffin; Evidence from a Parthian Burial on the Edge of the Islamabad Plain West of Kermanshah
- ◆ Differences and Similarities in Gandhāran art Production: the Case of the Modelling School of Hadda (Afghanistan)
- ◆ An Analysis of Architectural Elements of Shiite in Qajar Tomb Buildings and Compared to Sunni Tombs in West Azarbaijan